



امام وارث همه علوم قرآن است / صفات امام حسن عسکری(ع)

مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی در کتاب سالک آگاه در خصوص ولادت امام حسن عسکری و کیفیت زندگی و زمانه آن حضرت توضیحاتی مرقوم داشته است.

مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی در کتاب سالک آگاه در خصوص ولادت امام حسن عسکری و کیفیت زندگی و زمانه آن حضرت توضیحاتی مرقوم داشته است.

به گزارش خبرنگار مهر، مرحوم علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی در کتاب سالک آگاه در خصوص ولادت امام حسن عسکری و کیفیت زندگی و زمانه آن حضرت بیاناتی داشته است که در روز ولادت مبارک آن حضرت تقدیم می گردد:

ولادت امام حسن عسکری علیه السلام؛

حضرت ابومحمد امام حسن عسکری، فرزند حضرت امام علی بن محمد هادی علیهم السلام، در سنه ۲۳۱ یا ۲۳۲ هجری در مدینه منوره متولد شدند. آباء آن حضرت نیز همه در مدینه منوره متولد شده اند؛ به جز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که در مکه و در جوف کعبه متولد شده اند، و به جز حضرت امام زمان که تولد آن حضرت در سامراء است، بقیه ائمه تولدشان در مدینه است. (۱)

جو حاکم در زمان امام حسن عسکری علیه السلام؛

سامراء در آن زمان پایتخت و مرکز جیش خلفای بنی عباس بود، لذا برای از بین بردن احساسات مردم و عدم تحریکات و تحرکات احتمالی، خلیفه عباسی در سنه ۲۳۶ هجری آن حضرت را در معیت پدرشان حضرت امام علی النقی علیه السلام از مدینه به سامراء تبعید کرد، و سن حضرت امام حسن عسکری در آن وقت چهار سال بود. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و پدرشان در تمام مدت عمر در سامراء حبس و تحت نظر بودند.

البته تبعید، تبعید حضرت امام هادی بود نه حضرت امام حسن عسکری؛ ولی چون حضرت امام حسن عسکری طفل خردسالی بودند، طبعاً در معیت پدر به سامراء آمدند. حضرت امام هادی هجده سال تمام در سامراء تبعید و حبس نظر بودند؛ حتی افرادی که با آن حضرت ملاقات می کردند خیلی محدود بود، و همه در منزل آن حضرت رفت و آمد نداشتند. تا اینکه حضرت امام هادی در سنه ۲۵۴ از دار دنیا رفتند، و ولایت و امامت به فرزندشان حضرت امام عسکری - که در آن وقت سنشان بیست و دو سال بود - منتقل شد. امامت آن حضرت تا سنه ۲۶۰ ادامه داشت تا اینکه در سن بیست و هشت سالگی به سمّ مُعْتَمِد از دار دنیا رحلت کردند.

یعنی از ائمه ما که سنشان خیلی کم است: یکی حضرت امام حسن عسکری است که در بیست و هشت سالگی رحلت کردند، و دیگری حضرت امام جواد، امام محمد تقی است که در بیست و پنج سالگی رحلت کردند.

عدم دسترسی شیعیان به آن حضرت؛

دوران زندگی بر حضرت امام هادی و حضرت امام حسن عسکری خیلی سخت می گذشت، بالأخص در دوره امامت امام حسن عسکری که حتی خواص شیعه هم آن حضرت را ملاقات نمی کردند و می ترسیدند. به ندرت وقتی به امر خلیفه می رفتند، ای حضرت از منزل بیرون می آمدند تا در رکاب آن خلیفه و با خلیفه جایی بروند، شیعیان در راه آن حضرت را می دیدند، و الا آزاد نبودند که خدمت حضرت برسند و از آن حضرت استفاده کنند؛ مگر افراد خیلی اندک از علما و بزرگانی که جزء خصمین و حواریین آن حضرت بودند و نام آنها در کتب رجال ثبت شده است.

و بعضی چنین احتمال می دهند که این یک مصلحت خدایی بوده است؛ چون زمان رو به غیبت کبری می رفت، لذا خداوند علی اعلی اینطور جریان را پیش آورد که شیعه کم تر آمدند؛ کم تر به غیبت امام عادت کند. به تدریج از زمان رحلت امام نهم زمان رو به غیبت رفت، یعنی دسترسی به ائمه و استفاده از محضر شخصی آنها در عالم ظاهر، به تدریج کمتر می شد؛ و در زمان حضرت امام هادی امام را کمتر می دیدند، و در زمان حضرت امام

حسن عسکری خیلی کمتر می دیدند، و در زمان حضرت امام زمان در غیبت صغری آن حضرت را خیلی کم می دیدند، و در غیبت کبری که خیلی خیلی کم می دیدند.

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به زهر معتمد عباسی شهید شدند، و شهادت آن حضرت را ما مفصلاً در جلسه یک ماه قبل که روز هشتم ماه ربیع الاول و روز شهادت آن حضرت بود، بیان کردیم.

متوکل، خلیفه عباسی آن حضرت را به زندان انداخت و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مدتی در زندان بودند. وجه به زندان انداختن آن حضرت و اینکه چرا آن حضرت را به زندان انداخت، معلوم نشده و در تواریخ چیزی نوشته اند. ولی خُب البتّه معلوم است که همان حسد و حقدی که بنی عباس نسبت به علویین داشتند، و تحریکاتی که از بعضی افراد و جوانب می آمد؛ شد و خیرهایی که جواسیس می آوردند و تمامی آنها و سخن چینی های که می کردند، موجب این شد که آن حضرت مدتی در زندان متوکل بودند.

بعد از متوکل، منتصر و معتز و مهدی و معتمد، خلفای عباسی هر یکی بعد از دیگری خلافت کردند و این دوران های متعدّد و خیلی سخت را حضرت امام حسن عسکری گذراندند.

صفات امام حسن عسکری علیه السلام؛

امام عسکری علیه السلام مانند سایر ائمه، مرد باوقار و باشخصیت و آرام و ساکت و پرعقل و پرفکر بودند؛ و همان طوری که در تاریخ نقل شده، دشمنان آن حضرت هم مانند احمد بن عبیدالله بن خاقان - با اینکه یک شخص ناصبی و از دشمنان اهل بیت بوده است - احوالات آن حضرت را مفصلاً نقل کرده و آن حضرت را به این مدائح و این صفات ستوده و در مقام تعریف گفته است:

در سامراء مردی بود از خاندان علویین با این خصوصیت که بر همه مقدّم و از همه محترم تر بود، و مردی آرام و با فکر و بانعقل بود، سیمای گندمگون و چشم های درشت و قد متوسطی داشت، استخوان بندی بدنش محکم بود، حرکت که می کرد مانند یک کوه وقار بود. خلفا و وزرا و بزرگان آن مملکت به آن حضرت احترام می کردند، شیعه آن حضرت را مقدّم می داشت، و تمام علویین ایشان را سید و سالار خود می دانستند؛ درحالی که پیرتر از آن حضرت در میان علویین بسیار بود. (۲)

الآن شما که کنار قبر آن حضرت در سامراء می روید، آنجا خانه خود آن حضرت بوده است، یعنی حضرت امام علی التّقی و حضرت امام حسن عسکری و حضرت سید حسین - برادر حضرت امام حسن عسکری - و حضرت حکیمه خاتون و حضرت نرجس خاتون، همه را در خانه خودشان دفن کردند و بعدها آن خانه تبدیل به رواق و ضریح و صحن و اینها شد. خیلی قبر نورانی و فضای نورانی که اصلاً محسوس است که یک فضای باز و متّسعی است و اینها همه از آثار و جلوه های خود حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.

بزرگان احوالات آن حضرت را مفصّل ذکر کرده اند، گرچه آنچه باید و شاید از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برای ما مفصلاً نقل نشده است؛ زیرا اولاً: عمر آن حضرت کوتاه بود، ثانیاً: آن حضرت همیشه در تبعید بودند و امکان دسترسی همه شیعیان نسبت به آن حضرت نبود؛ لذا آن مقدار از فرمایشات و کلمات آن حضرت که بزرگان نقل کرده اند، مفصّل در کتب ثبت و ضبط شده است، و بزرگان روی فرمایشات آن حضرت استشهاد می کنند.

امام وارث همه علوم قرآن است؛

علامه حسینی طهرانی در مقالی دیگر (کتاب امام شناسی، ج ۴؛ ص ۱۹) حدیثی را از آن امام همام چنین نقل می کند:

و صاحب کتاب «ثاقب المناقب» از ابو هاشم جعفری حدیث کند که او گوید: من در نزد حضرت ابی محمّد امام حسن عسکری علیه السلام بودم و از آن حضرت راجع به این آیه سؤال کردم: «ثُمَّ أُورِثْنَا الْكِتَابَ الَّذِي نَصَّ عَلَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا قَمِنَهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سَائِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يَأْذِنُ اللَّهُ». (۳)

قال عليه السلام: كلهم من آل محمد، الظالم لنفسه الذي لا يقر بالامام، و المقتصد العارف بالامام، و السابق بالخيرات باذن الله الامام. قال: فدمعت عيناي و جعلت افكر في نفسي ما اعطى الله آل محمد، فنظر الي و قال: الامر

اعظم مما حدثتک به نفسک من عظم شان آل محمد فاحمد الله فقد جعلک مستمسکا بحبلهم تدعی یوم القيامة لهم اذا دعی کل اناس یامامهم، فابشر یا ابا هاشم و انک علی خیر.(۴)

ابو هاشم گوید: «چون از حضرت عسکری" علیه السلام" از تفسیر این آیه و وارثین کتاب و انقسام آنها به اقسام سه گانه سؤال کردم، حضرت فرمودند: همه اقسام آنها از آل محمدند، ستمگر به نفس خود کسی است که به امام خود معترف نباشد و به ولایت او اقرار نکند، و عادل و میانه‌رو کسی است که معترف به امامت امام خود باشد و او را بشناسد، و پیشنی گیرنده به خیرات به اذن خدا خود امام است. ابو هاشم گوید: با بیانات امام راجع به درجات آل محمد اشک از چشم من سرازیر شد و من با خود در فکر فرو رفتم که چه اندازه خداوند به آل محمد از عنایات خود عطا فرموده است! در این حال حضرت به من نظری کرده فرمودند: مطلب از این مقادارها که تو فکر می‌کنی بالاتر و بزرگتر است، شان آل محمد از اینها بیشتر است، شکر و سپاس خدا را بجا آور که تو را متمسک به ریسمان ولایت آنها قرار داده است، و زمانی که در روز باز پسین هر امتی را به امامشان بخوانند تو را با ائمه اهل بیت می‌خوانند، ای ابو هاشم بشارت باد تو را بدین موهبت الهی».

الدّر النظیم، ص ۷۲۷.

الکافی، ج ۱، ص ۵۰۳.

سوره فاطر آیه ۳۲ ترجمه: سپس این کتاب را به بندگان برگزیده خود به عنوان ارث سپردیم، بعضی از آنها به نفس خود ظلم کردند و بعضی راه عدالت و میانه‌روی پیمودند و بعضی به واسطه اعمال خیر گوی سبقت را از همگان به اذن خدا ربودند و این همان مقام فضل بزرگ الهی است.
غایة المرام ص ۲۵۲ حدیث هیجدهم، و بحار الانوار ج ۷ ص ۴۴ از کشف الغمه.